



درس ۱۲

درست مصرف کنیم



منابع طبیعی، نعمت‌های خداوند هستند. خداوند این نعمت‌ها را به ما داده است تا از آنها به

خوبی استفاده کنیم. چگونه درست مصرف کنیم؟

با صرفه جویی (یعنی هر چیز را درست و به اندازه مصرف کنیم)

چه کارهایی می‌توانیم انجام دهیم؟

به پاسخ‌های این بچه‌ها توجه کنید:



صرفه جویی می‌کنیم.



لباس های قدیمی ام را می شویم و اتو می کنیم و امسال دوباره می پوشم.



از قوطی، جامدادی درست می کنم.



دارم با ورق سفید دفترهای کهنه ام، دفتر یادداشت درست می کنم.



کیف پارسالم را تمیز می کنم.

زیاده روی (اسراف) نمی‌کنیم.



ما نمی‌توانیم همه‌ی چیزهایی را که دوست داریم، بخریم.
من به اندازه‌ی پولی که دارم، خرج می‌کنم.





پس انداز می‌کنیم.
ما همیشه مقداری از پول مان را پس انداز
می‌کنیم.



اکنون که پیام‌های بچه‌ها را خواندید، بگویید با کدام یک موافقید و آن را انجام می‌دهید؟ کدام را تصمیم می‌گیرید از این پس انجام دهید؟

وقتی درست و به اندازه مصرف می‌کنیم، در واقع از منابع طبیعی هم محافظت می‌کنیم.



- ۱- آیا شما و افراد خانواده تان پس انداز می کنید؟ چگونه؟ پس انداز چه فایده‌هایی دارد؟
- ۲- اسراف یعنی چه؟ چند نمونه مثال بزنید.
از معلم خود یا بزرگ‌ترها بپرسید خداوند در قرآن درباره‌ی اسراف چه فرموده است؟
- ۳- چرا وقتی غذا می‌خوریم از خداوند تشکر می‌کنیم؟
شما چه می‌گویید؟ یک بار هم به زبان محلی تان بگویید.

۱- بله. با کنار گذاشتن مقداری از پول خود و صرفه جویی در مصرف در مواقع ضروری می‌توانیم با استفاده از پس انداز مشکلات خود را برطرف کنیم و به دیگران نیازی پیدا نکنیم.

۲- زیاده روی در مصرف هر چیزی را اسراف می‌گویند. باز گذاشتن شیرآب، خرید بیش از نیاز نان و...
« بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید. »

۳- چون از نعمت‌های خداوند استفاده می‌کنیم.

یک تصمیم خوب

زنگ جمله‌سازی بود. دفترم را باز کردم و صفحه‌ی سفیدی را آوردم. می‌خواستم کلمه‌ها را از روی تخته بنویسم که چشمم به دفتر پریسا افتاد. فقط چند خطی از صفحه‌ی آخر دفترش مانده بود. داشت کلمه‌ها را همان‌جا می‌نوشت.

به او گفتم: تو چقدر خسیسی! در این نصفه ورق آخر که نمی‌توانی چیزی بنویسی. ببین دفتر جدیدی که خریدم، جلدش چقدر قشنگ است! این دفترها خیلی گران است. خوب، در این صفحه همین چند خط بس است. حالا در صفحه‌ی جدید می‌نویسم.

پریسا گفت: مریم جان مادرم می‌گوید ما باید از هر چیزی که داریم خوب و درست استفاده کنیم. خانم معلم متوجه صدای ما شده بود. نزدیک آمد و نگاهی به دفترهایمان انداخت. بعد دفتر پریسا را به بچه‌ها نشان داد و گفت: ببینید پریسا برگ‌های سفید دفترش را تا آخر می‌نویسد. او با این صرفه‌جویی، هم به خانواده‌اش کمک می‌کند و هم به منابع کشور. آفرین به او!

خیلی خجالت کشیدم. تازه فهمیدم که اشتباه می‌کنم. یاد ورقه‌های سفیدی افتادم که آن‌ها را مچاله کردم و در سطل زباله انداختم.

یاد این افتادم که چقدر مادرم را به زحمت انداختم و اصرار کردم من از این جور دفترها می‌خواهم. ناراحت شدم و به فکر فرو رفتم از آن روز به بعد تصمیم گرفتم از همه‌ی وسایلم به خوبی استفاده کنم. حالا اگر دفترهای مرا ببینید، حتی یک ورق هم پیدا نمی‌کنید که خالی از نوشته باشد.

(کبری هاشمی)

گفت‌وگو کنید



۱- به نظر شما مریم از چه چیزی ناراحت شد و خجالت کشید؟

۲- آیا شما تصمیمی شبیه به تصمیم مریم در زندگی‌تان گرفته‌اید؟ در کلاس

تعریف کنید.

۱- یاد ورقه‌های سفیدی افتاد که آن‌ها را مچاله کرده بود و در سطل زباله انداخته و زحمت‌های مادرش را که برای خرید دفتر کشیده بود، نادیده گرفت.

